

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال سیزدهم، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۰

صفحات: ۲۲-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

مقاله: پژوهشی

دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق با رویکرد نعثمانی‌گری و ناسیونالیسم ترکی (۲۰۰۳ - ۲۰۱۸)

پریسا پورعلی* / محمدرضا دهشیری** / محمدرضا قانیدی*** / حسن خدوردی****

چکیده

مطالعه دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق، منوط به فهم نگاه جدید سیاست خارجی این کشور به خاورمیانه است. دولت ترکیه با طرح موضوع منازعه صفر و بهبود روابط با کشورهای بازمانده از امپراتوری عثمانی سابق، در چارچوب نعثمانی‌گری و هویت واحد ترکی در قالب ناسیونالیسم، تلاش نمود تا خود را به عنوان یک بازیگر استراتژیک فرامنطقه‌ای مطرح نماید. در این چارچوب، عراق به‌عنوان مهم‌ترین راه ورود ترکیه به خاورمیانه از اهمیت استراتژیک برخوردار است. بر همین اساس، سوال اصلی مقاله این است که «مهم‌ترین مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق کدام است و تا چه اندازه متأثر از ناسیونالیسم ترکی و نعثمانی‌گرایی بوده است؟ در پاسخ، فرضیه مطرح شده این است که ترکیه با تمرکز بر ساختارهای فرهنگی خود و ابزارهایی چون رسانه، فیلم و سریال‌های ترکی، زبان و ادبیات ترکی، پیوندهای فرهنگی - مذهبی با مردم عراق در قالب گفتمان نعثمانی‌گرایی و نیز پیوند مستحکم با ترکمن‌ها در قالب هویت واحد و ناسیونالیسم ترکی، توانسته حوزه‌های نفوذ عمیقی در عراق برای خود ایجاد کند. روش تحقیق در این مقاله، بر مبنای پژوهش کیفی مورد محور و مبتنی بر روش اسنادی با جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و داده است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی فرهنگی؛ گفتمان؛ نعثمانی‌گری؛ ناسیونالیسم ترکی.

* گروه روابط بین الملل، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. ppourali@yahoo.com

** استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران (نویسنده مسؤول). mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

**** استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

روابط ترکیه و عراق بر مبنای رابطه مرکز - پیرامون پس از فروپاشی عثمانی و اعلام تشکیل دولت عراق در دهه ۱۹۲۰، به یک تنش عمیق بر سر ولایت موصل (ولایتی که بر مبنای معاهده ملغی شده سور قرار بود به نام دولت کردستان مستقل شود) منجر شد. پس از آن، در دوره‌های تاریخی مختلف، همواره این روابط فراز و فرودهایی داشته است. با شروع جنگ آمریکا علیه عراق، ترکیه تلاش نمود تا از هرگونه مداخله صریح و آشکار و ورود به جنگ علیه یک کشور اسلامی و همسایه بپرهیزد. پس از سقوط صدام و گشایش‌های جدید در عراق، ترکیه به توسعه روابط با حکومت جدید عراق پرداخت و در آن میان، روابط با کردها و ترکمن‌های عراق به‌عنوان دو اقلیت اصلی، مورد توجه قرار گرفت. در سطحی دیگر، دیپلماسی فرهنگی ترکیه، مبتنی بر نوعثمانی‌گری با راهبرد منازعه صفر و ناسیونالیسم ترکی مبتنی بر هویت واحد برای حدوداً دو دهه است در سیاست خارجی ترکیه، به شکل تناقض‌آمیز، اما توسعه‌طلبانه‌ای در ابعاد مختلف، مطرح شده است. این سیاست خارجی فرهنگی، تمرکز ویژه‌ای بر کردها و ترکمن‌ها داشته، چرا که آن‌ها ساکنان اصلی ولایت موصل سابق هستند، که عثمانی‌ها حاکم آن بوده، ترکان جوان و دولت ترکیه مدرن خواهان آن بوده و اینک نیز حزب عدالت و توسعه به آن چشم دارد. با نظر به این تفاسیر پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که «مهم‌ترین مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق کدام است و تا چه اندازه متأثر از ناسیونالیسم ترکی و نوعثمانی‌گرایی بوده است؟» در پاسخ به این پرسش اساسی، فرضیه مطرح شده این است که «ترکیه با تمرکز بر ساختارهای فرهنگی خود و ابزارهایی چون رسانه، فیلم و سریال‌های ترکی، زبان و ادب ترکی، پیوندهای فرهنگی - مذهبی با مردم عراق در قالب گفتمان نوعثمانی‌گرایی و نیز پیوند مستحکم با ترکمن‌ها در قالب هویت واحد و ناسیونالیسم ترکی، توانسته حوزه‌های نفوذ عمیقی در عراق برای خود ایجاد کند.»

۲. پیشینه تحقیق

مادامی که از دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق بحث می‌شود، نمی‌توان مقاله، کتاب، پژوهش یا نوشته‌ای را یافت که به شکل جامع به بحث در خصوص این موضوع پرداخته باشند، مگر در مواردی محدود و بسیار مختصر در چارچوب قدرت نرم این کشور، در عراق بتوان منابعی یافت. غالب نوشته‌ها بر مسائل سیاسی، اقتصادی و منابع سخت قدرت این کشور در

عراق تمرکز و تأکید دارند. لذا، یک کاستی کامل در این بخش و حوزه موضوع پژوهش حاضر وجود دارد.

۱. ملیحه بنلی آلتونشیک (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «فرهنگ امنیتی ترکیه و خط و مشی آن نسبت به عراق»^۱ تلاش دارد تا یک دگردیسی در سیاست خارجی ترکیه نسبت به عراق از سال ۲۰۰۷ به این سو را نشان دهد. وی بر این باور است که از سال ۲۰۰۷ به این سو، ترکیه تلاش داشته تا بر مبنای ایدئولوژیک سیاست خارجی و عناصر فرهنگ استراتژیک این کشور تأکید بیشتری داشته باشد. از منظر نویسنده، در رابطه با سیاست خاورمیانه، می‌توان چهار اصل مستحکم در فرهنگ استراتژیک ترکیه را شناسایی کرد: اول، تمایل به حفظ وضعیت موجود است. هنگامی که نظام دولتی پس از جنگ جهانی دوم در خاورمیانه ایجاد شد، ترکیه وضعیتی را به وجود آورد که بر پایه هنجارهای حفظ تمامیت ارضی کشور خود و نیز عدم تهدید تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها تأکید داشت. اما تحولات پس از ۱۹۹۱ و نیز ۲۰۰۳ و تضعیف عراق به‌عنوان نتیجه این تحولات، باعث شد تا این کشور ناچار شود تا چندین بار سیاست خارجی خود نسبت به عراق را دگرگون سازد. دوم، فرهنگ استراتژیک ترکیه تحت سلطه سنت رئال پالیتیک است. بر اساس توضیحات آلتونشیک این سنت، به ویژه پس از تعادل نظامی میان امپراتوری عثمانی و قدرت‌های اروپایی، از یک مشی تهاجمی غالب به یک رویکرد دفاعی غالب، تکامل یافته است. سوم، و به ویژه برای خاورمیانه، تمایل سیاست‌گذاران خارجی و امنیتی ترکیه به عدم دخالت در امور این منطقه در سال‌های مورد مطالعه نویسنده بوده است. چهارم، درک تجربیات تاریخی ملی که از طریق گذار از یک امپراطوری به یک کشور ملی سیر می‌کند، یکی از عناصر مهم فرهنگ امنیتی ترکیه است (Benli Altunışık, 2007).

۲- اُنکو علی‌رضا آلیپایدن (۲۰۱۰)، در رساله ارشد خود در دانشگاه بیلکنت آنکارا، تحت عنوان «قدرت نرم در سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه: ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۹»^۲، به بررسی مؤلفه‌های اصلی شکل دهنده به قدرت نرم و فرهنگی ترکیه به شکل مقایسه‌ای با دوره‌های پیشین این کشور می‌پردازد. وی در وهله نخست به خوانشی از قدرت نرم فرهنگی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۲۳ تا ۲۰۰۲ می‌پردازد و سپس دوران اصلی

1. Turkey's Security Culture and Policy towards Iraq.

2. Soft Power in Turkish Foreign Policy under the AKP Governments: 2002-2009.

مورد مطالعه، یعنی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ را مورد بحث قرار می‌دهد. اساس سیاست خارجی نرم و فرهنگی ترکیه در این مطالعه، بر خوانشی است که احمد داوود اغولو وزیر خارجه پیشین ترکیه ساخته و پرداخته کرده بود، و بخش بزرگی از این دکترین سیاست خارجی بر مفاهیم نرم و فرهنگی در تعامل با همسایگان خاورمیانه‌ای ترکیه قرار داشت. در این رساله، رویکرد نو عثمانی‌گری با ابعاد فرهنگی به شکل پویا نسبت به فضای بیرونی ترکیه ترسیم و مورد مذاقه قرار گرفته است. هدف نویسنده بیشتر کشف مؤلفه‌ها، تا تحلیل زمینه‌یابی یا عملیاتی آن است (Alpaydın, 2010).

۳. سید اسدالله اطهری و همکاران (بهار و تابستان ۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در عراق و سوریه» تلاش دارند تا از چشم‌انداز نرم، فرهنگی و دیپلماسی عمومی به مطالعه تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در دو کشور عراق و سوریه بپردازند. لازم به ذکر است که مقاله مذکور تمرکز خود را بر این دو کشور پس از شروع تحولات در آنها، یعنی سوریه پس از ۲۰۱۱ و عراق پس از ۲۰۰۳ گذاشته است. نویسندگان این مقاله معتقدند که ایران و ترکیه، به‌عنوان دو قدرت تأثیرگذار بر تحولات خاورمیانه، می‌کوشند طبق ماهیت دولت‌ها، اهداف و خط‌مشی‌های خود، دیپلماسی عمومی‌شان را در عراق و سوریه پیش برند. لذا در راستای چرایی این مسأله، آنها دو سؤال کلیدی را مطرح می‌کنند؛ دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه چگونه است؟ تحولات جدید در این کشورها چه تأثیری بر دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه داشته است؟ آن‌ها در پاسخ می‌گویند؛ دو کشور فرصت‌ها و امکانات مناسب و متفاوتی برای بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در عراق و سوریه دارند. اما موفقیت نسبی ایران و ترکیه به استراتژی دو کشور بستگی دارد و این موفقیت‌ها و ناکامی‌ها همیشه و در همه زمینه‌ها نیست. به باور آن‌ها، تفاوت دیپلماسی عمومی و فرهنگی ایران و ترکیه در برابر عراق و سوریه، به تفاوت رویکردهای نظری، منابع و اصول و اهداف سیاست خارجی ایران و ترکیه مربوط می‌شود.

۴. سین کان (۲۰۱۱)، در مقاله خود تحت عنوان «رقابت در حال ظهور ایران و ترکیه در عراق»^۱ تلاش دارد تا به خوانشی از رویکرد رقابتی این دو کشور در عرصه منطقه‌ای، با تمرکز بر عراق بپردازد. نویسنده معتقد است که نظم خاورمیانه در ذیل اقتدار دو قدرت منطقه‌ای مهم، یعنی ایران و ترکیه پس از سقوط صدام در حال شکل‌گیری است که نویسنده عراق را به عنوان

1. The Coming Turkish-Iranian Competition in Iraq.

نمونه موردی از ادعای خود در رقابت این دو کشور مطرح می‌کند. دو کشوری که توجهی ویژه به عراق پس از ۲۰۰۳ داشته‌اند. این دو کشور، با همان بینش تاریخی و امپراتوری‌گرایانه کهن خود، عراق را به عرصه قدرت و نفوذ خود، خصوصا در ابعاد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بدل کرده‌اند. هرچند میان ایران و ترکیه، همکاری‌هایی وجود دارد، اما اصل اول رقابت و توسعه نفوذ است. از منظر نویسنده، ترکیه خواهان نظمی در عراق است، که هیچ کدام از گروه‌های قومی - مذهبی اصلی، نتوانند بر دیگران غالب باشند. در عین حال، مساله نفت و گاز عراق برای ترکیه از اهمیت زیادی برخوردار است (Kane, 2011).

۳. چارچوب مفهومی؛ گفتمان و نوعثمانی‌گرایی

در پژوهش حاضر بنابر ضرورت موضوعی ابتدا تحلیل گفتمان و سپس نوعثمانی‌گرایی به عنوان گفتمان حاکم بر دیپلماسی فرهنگی ترکیه مورد شرح و بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. نظریه تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان^۱ روشی نو در تحلیل پدیده‌ها و روابط اجتماعی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه ویژه محققان قرار گرفته است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۷). تحلیل گفتمان در معنای فنی‌تر خود به مجموعه بی‌طرفی از ابزارهای روش‌شناسی برای تحلیل کلام‌ها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، مباحثات^۲ و غیره اشاره دارد (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۱۹۶). تحلیل گفتمان در بستر سیاسی آن، به بحث و گفت‌وگو در حوزه سیاسی (مانند مباحثه، گفتار و شنیده‌ها) می‌پردازد. تجزیه و تحلیل سیاست‌نیازمند تحلیل گفتمان از دیدگاه پسااثبات‌گرایانه است (Hult, 2015: 217). گفتمان سیاسی عبارت است از مبادله رسمی دیدگاه‌های استدلالی که می‌خواهد برای حل یک مشکل اجتماعی از مسیرهای بدیل استفاده شود (Johnson and Johnson, 2000).

به‌طور کلی، نظریه گفتمان حول دو مفهوم اصلی گفتمان و هژمونی سازمان یافته است. این مفاهیم را نمی‌توان در مطالعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متعارف به همان صورت یافت. تورفینگ، هر کدام از این مفاهیم را جایگزینی برای مفاهیم سنتی همچون ساختار، سیاست و

1. Discourse Analysis
2. Speeches
3. Conversations

تضاد می‌داند (Torfin, 1999: 81-82). ایده کلی نظریه گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچگاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی بر سر جامعه و هویت باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به همراه دارد. وظیفه تحلیل‌گران گفتمان نشان دادن جریان این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا در تمامی سطوح می‌باشد (بورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۳). از منظر دیپلماسی فرهنگی در چارچوب تحلیل گفتمان، الیور اشمیت با در نظر گرفتن یک دیدگاه سازنده، اصرار داشت که یک بعد فرهنگی برای سیاست خارجی وجود دارد که می‌توان آن را «ابزاری برای دیپلماسی» قلمداد کرد، زیرا می‌توان آن را «برای دستیابی به اهداف یک دولت از طریق فرایند سیاست خارجی» استفاده کرد. فرهنگ در دیپلماسی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای سیاست خارجی، شامل جنبه‌هایی از ادبیات، فیلم‌ها، موسیقی و سایر محصولات فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد (Schmidt, 2003: 177) علاوه بر این، سزار ویلانواوا ریواس (2010, 48) از مفهوم سازه‌انگاران جهان وطنی و تحلیل گفتمان در طرح خود برای تجزیه و تحلیل دیپلماسی فرهنگی و عمومی استفاده می‌کند و به‌طور موجز آن را به عنوان «مردم، فرهنگ‌ها و دولت‌ها» توصیف می‌کند و دیپلماسی فرهنگی و عمومی را در ساخت درون‌ذهنی ایده‌ها، هنجارها و هویت‌ها در هم‌کنشی با همکاری، رفاه و تفاهم تحلیل می‌کند.

از طرف دیگر، هادسون، رویکرد متفاوتی به نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل، از منظر تحلیل پسا اثبات‌گرایی با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمانی ارائه می‌دهد. هادسون با استفاده از چشم اندازه‌های تحلیل سیاست خارجی، ارتباط قاطع فرهنگ و روابط بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است که بحث علمی در مورد فرهنگ عمدتاً به دلیل سیاست قدرت مورد غفلت واقع شده است. از دید او، فرهنگ نقش مهمی در سیاست خارجی ایفا می‌کند، زیرا اغلب برای توصیف آنچه نمی‌توان به راحتی توضیح داد یا برای توصیف و پیش‌بینی اقدامات سیاسی آینده استفاده می‌شود. این امر نیاز به مطالعه فرهنگ به‌عنوان یک ابزار سیاسی و درک فرهنگ به‌منظور تصمیم‌گیری و پیش‌بینی اثرات راهبردهای دیپلماتیک دارد (Hudson, 2007: 291). از دیدگاه لاکلاو و موفه، سیاست و امور اجتماعی را می‌توان به مثابه ساخت‌هایی گفتمانی فهم کرد و از این جهت آن‌ها معتقد هستند که سیاست مانند هر عمل و پدیده دیگری نیازمند گفتمانی شدن است تا قابل فهم و معنادار گردد. این بدان معنا است که

فعالیت‌ها و پدیده‌های سیاسی وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

۲-۳. نوعثمانی‌گرایی

نوعثمانی‌گری ایده و سیاستی است که خواهان احیاء شکوه، عظمت و نفوذ امپراطوری عثمانی در دوران قدرت آن است. آمیخته‌ای است از اسلامیت حنفی در چارچوب تاریخ و فرهنگ عثمانی و نیز قومیت ترکی که هدفش ارتقاء موقعیت ترکیه در تمامی ابعاد است. نوعثمانی‌گری همان‌گونه که از ظاهر نشان می‌دهد اشاره به بازگشت به گذشته و سال‌های سلطه و استیلای ترکان عثمانی بر کشورهای چون عراق، سوریه، لبنان، عربستان، کویت و مصر دارد. پایه و اساس این تسلط تاریخی را «مذهب» با قرائتی از اسلام در قالب نظام خلافت تشکیل می‌داد، که امروز نیز حزب عدالت و توسعه با همین نگرش در صدد احیای «ناسیونالیسم مذهبی» و در نتیجه سلطه و حکومت هر چند غیرمستقیم بر این کشورها است. اما مفصل بندی اساسی این گفتمان در نظریه احمد داوود اغلو^۱، وزیر امور خارجه، نخست‌وزیر و از رهبران سابق حزب عدالت و توسعه مطرح شده است. داوود اغلو در کتاب دکترین عمق استراتژیک^۲ که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد؛ رویای استراتژیک‌اش را درباره ترکیه مورد بررسی جزئی قرار می‌دهد. او معتقد است که ترکیه به خاطر تاریخ و موقعیت جغرافیایی‌اش از یک عمق استراتژیک برخوردار است و کشور خود را در زمره گروه اندکی از کشورها قرار می‌دهد که معروف به کشورهای مرکزی هستند. اغلو عنوان می‌کند ترکیه نباید از نقش منطقه‌ای خود در بالکان و یا در خاورمیانه راضی باشد؛ چون این کشور یک قدرت مرکزی است نه یک قدرت منطقه‌ای. به همین خاطر باید به طور همزمان در چندین منطقه نقش راهبری داشته باشد؛ نقشی که به آن یک اهمیت جهانی می‌دهد (Aras, 2009: 128).

واقعیت امر این است که برای دهه‌های متمادی گفتمان کمالیسم بر سیاست و جامعه داخلی ترکیه حاکمیت مطلق داشت. این گفتمان همان‌گونه که از عنوان آن مشخص است با نام مصطفی کمال آتاتورک، بنیان‌گذار و رهبر سیاسی ترکیه جدید به عنوان بازمانده امپراتوری عثمانی شناخته می‌شود. کمالیسم دارای شش اصل یا شش پیکان^۳ (که در پرچم حزب خلق

1. Ahmad Davood Aghloo
2. Strategy of Strategic Depth
3. Six Arrows

جمهوری خواه ترکیه می باشد) است؛ جمهوری خواهی، ملی گرایی، مردم گرایی، سکولاریسم، دولت گرایی و انقلابی گری. جهت گیری سیاست خارجی ترکیه در دوران آتاتورک، انزواطلبی بود، به ویژه در حوزه منطقه ای، از آنجا که اسلام مترادف عقب افتادگی و پسرفت تلقی می شد، تلاش این بود تا حد امکان ترکیه از حوزه پرمنازعه خاورمیانه و شرق دور بماند (ستوده و نیاکویی، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

با گذشت دورانی چند دهه ای، بتدریج در فضای داخلی ترکیه یک جریان فکری شکل گرفت که اساساً نه در تضاد، بلکه در مقام جریان منتقد گفتمان کمالیستی شناخته می شد که در ابتدا از آن تحت عنوان «پسا کمالیسم» و سپس «نوعثمانی گرایی» نام برده شد. اولین سیاست مداری را که می توان پسا کمالیست نامید، نجم الدین اربکان^۱ است. نجم الدین اربکان در اواخر دهه ۱۹۶۰ ایدئولوژی اسلام گرایانه خویش را در قالب بیانیه هایی با عنوان «نگاه ملی» منتشر و در دهه ۱۹۷۰ بدان شکل سازمانی داد. به قدرت رسیدن حزب رفاه در اواسط دهه ۱۹۹۰ با رهبری اربکان اولین زاویه گیری عمده از کمالیسم در سیاست داخلی و خارجی بود. انتقاد از غرب و اسرائیل، اعتدال نسبت به کردها، استفاده از ادبیات و واژگان اسلامی، چندجانبه گرایی در سیاست خارجی، تلاش برای ایجاد فاصله با غرب و نزدیکی به کشورهای اسلامی (به صورتی که به هیچ کشور غربی سفر نکرد و عمده سفرهایش به کشورهای اسلامی بود)، عدم تمکین از قانون داماتو، تداوم روابط با ایران و لیبی، امضای توافق ۲۰ ساله گازی با ایران و تأسیس سازمانی اسلامی از جمله رویکردهای پسا کمالیستی یا نوعثمانی گرایانه اربکان بود (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۲۱).

حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب اسلام گرای میانه رو که در انتخابات سال ۲۰۰۲ به قدرت رسید، برآمده از حزب سابق رفاه، به رهبری نجم الدین اربکان بود (عبداللهی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۱۳). در سال های بعد از ۲۰۰۲ به شکل مشخص گفتمان نوعثمانی گرایی مطرح شد. در ارزیابی این گفتمان در عرصه سیاست خارجی ترکیه می توان به سه نکته کلیدی اشاره داشت. اول اینکه بر خلاف گفتمان کمالیستی، تنها غرب مورد تأیید و تأکید در حوزه سیاست خارجی نبود و حوزه تمدنی شرق نیز مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. دوم این که بر میراث امپراتوری عثمانی و احیای آن به عنوان اصل پیش رو در عرصه سیاست خارجی تأکید می شد.

سوم این‌که اسلام و اسلام‌گرایی نه تنها به عنوان نماد عقب‌ماندگی شناخته نمی‌شد، بلکه به قانونی برای تعریف و هدایت سیاست خارجی ترکیه تبدیل شد.

۴. نگاهی به تحولات روابط ترکیه و عراق پس از ۲۰۰۳

کشور عراق به خاطر موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی بعد از سقوط صدام، بهترین گزینه ترکیه برای تسلط بر بسیاری از مناطق خاورمیانه، از مسیر دیپلماسی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. بنابراین نخستین هدف سیاسی و امنیتی این کشور نوعی همکاری با دولت عراق در زمینه‌های گوناگون بود تا بتواند به تدریج بر دیگر کشورهای استقلال‌یافته از عثمانی مسلط شود. پیگیری عمق استراتژی‌کی که ترکیه به دنبال تحقق آن است باید از یک روزنه‌ای شروع می‌شد و عراقی بی‌ثبات، چنددسته و شکننده، این زمینه را فراهم می‌کرد (نوری‌اصل، ۱۹ خرداد ۱۳۹۸). سیاست خارجی کنونی ترکیه نشأت گرفته از تنازع منافع حکومت و حزب عدالت و توسعه است، هر یک از این دو نهاد منافع خود را دقیقاً منطبق با علایق ملت (در برداشت ناسیونالیستی از آن) تعریف می‌کنند، ولی به لحاظ شکاف عمیق عقیدتی موجود بین حزب و حکومت، در حال حاضر شالوده‌ی واحدی که مبنای «منافع» واقعاً ملی باشد، وجود ندارد (یاووز، ۱۳۹۴: ۳۲۶). این وضعیت در نگاه سیاست خارجی ترکیه به عراق نیز، به خوبی قابل شناسایی است که از مداخله‌ی ۲۰۰۳ آمریکا در عراق تا به امروز به تدریج خود را عیان ساخته است.

مذاکرات بین مقامات سازمان ملل و ترکیه تا آغاز جنگ در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ در مورد شرایط حضور ترکیه در جنگ آینده ادامه داشت و ایالات متحده بر منافع مالی برای آنکارا تأکید می‌کرد. با این وجود، حتی اگر به نظر می‌رسید دولت جدید حزب عدالت و توسعه مایل به همکاری با آمریکا است، افکار عمومی ترکیه مخالف سیاست مشارکت در جنگ بود (Olson, 2005: 151). عدم صدور قطعنامه‌ای که به نیروهای زمینی آمریکا اجازه دسترسی به عراق از ترکیه را بدهد در پارلمان ترکیه، نشان‌دهنده مخالفت شدید برای هرگونه مشارکت در جنگ بود. از دید مردم ترکیه، عواقب جنگ منجر به تشکیل یک کشور مستقل کردی می‌شد (Park, 2003). همین عامل، آمریکا را به سمت همکاری با کردهای عراق سوق داد.

در نتیجه جنگ عراق به رهبری ایالات متحده آمریکا، شاهد بی‌ثباتی در مرزهای ترکیه با عراق به واسطه تمایلات رو به رشد استقلال‌طلبانه کردها بودیم (Turunc, 2011: 41). بر همین

اساس سیاست ترکیه در عراق با حمایت محدود از دولت در بغداد و یک سوءظن ساختاری نسبت به کردهای این کشور و حکومت خودمختارشان همراه شد. اما این ترس ترکیه، به واسطه گسترش روابط میان اربیل و بغداد، به تدریج فرو ریخت، چرا که ترکیه به فضاهای حیاتی و اقتصادی بر مبنای دستورکار جدید تحول اقتصادی دولت نیاز داشت و اقلیم کردستان عراق، این بستر را در ابعادی گسترده در اختیار ترکیه قرار داده بود. در همین راستا، نقش ترکیه در تحولات عراق پس از ۲۰۰۳، به تدریج بیشتر شد. ترکیه تلاش‌هایی را برای آشتی ملی عراق در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ انجام داد و طی آن نمایندگان احزاب عرب سنی و سفیر آمریکا در استانبول در دسامبر ۲۰۰۵ گرد هم آمدند. این نقطه‌ی عطفی در مشارکت اعراب سنی در روند سیاسی بود. ترکیه به منظور حمایت از توافق‌نامه امنیتی عراق با ایالات متحده در سال ۲۰۰۸، نقش اصلی را در میانجی‌گری با اعضای سنی پارلمان عراق ایفا کرد. هم‌چنین، ترکیه میزبان برنامه‌های آموزشی مربوط به دموکراتیک‌سازی و حکمرانی خوب برای احزاب عراقی از همه گروه‌های قومی بود که بیش از ۵۰۰ سیاستمدار عراقی در آن حضور داشتند و وزارت امور خارجه برنامه‌های آموزشی را به مسؤولان عراقی ارائه می‌داد. هم‌چنین ترکیه به‌عنوان شریک حیاتی در تثبیت اقتصاد و ایجاد زیرساخت‌های عراق؛ به‌ویژه در بخش‌های انرژی و ساخت‌وساز، مورد توجه قرار گرفت (Turunc, 2012: 41-42). در عین حال، در این دوران ترکیه می‌کوشید تا گروه‌های سنی و سکولار را گرد هم آورد و به پروسه سیاسی عراق وارد نماید.

در خلال سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، از یک سو شاهد تثبیت دولت تازه تأسیس عراق هستیم و از سوی دیگر، هرچند هنوز درگیری میان مخالفان نظام جدید با دولت مستقر و نیز آمریکا در جریان بود، اما کم‌کم اهل سنت به سمت آشتی و الحاق به روند جدید گام برمی‌داشتند. در چنین فضایی و از یک سال پیش از انتخابات دوم پارلمانی، شاهد تحركات دیپلماتیک گسترده میان طیفی از کشورهای ناراضی از قدرت‌گیری کردها و شیعیان در عراق هستیم. ترکیه محور این تحركات دیپلماتیک بود و بالاخره در منزل شخصی احمد داود اوغلو، ائتلاف «العراقیه» اعلام موجودیت کرد. ائتلافی فراگیر که در آن گروه‌های مختلف سنی به‌همراه برخی از شیعیان سکولار حضور داشتند و در نهایت ایاد علاوی را به‌عنوان رهبر انتخاب کردند. حمایت‌های گسترده تبلیغاتی رسانه‌ای و مالی ترکیه، عربستان و... در کنار عدم اتحاد گروه‌های شیعی باعث شد تا در نهایت العراقیه با کسب ۹۱ کرسی، پیروز انتخابات لقب گیرد. اما این پیروزی و همه تلاش‌های دولت‌های مختلف از جمله ترکیه هم نتوانست ردای نخست‌وزیری را بر تن علاوی

بیوشاند و به‌دلیل به‌حدنصاب نرسیدن (۱۶۳ کرسی لازم) یکبار دیگر مالکی به نخست‌وزیری رسید (پشنگ و زمردی، ۱۳۹۳: ۴۸۸).

در همین دوران برای تقویت روابط، نخست‌وزیر وقت ترکیه، رجب طیب اردوغان پس از نزدیک به ۲۰ سال، در سال ۲۰۰۸، به بغداد سفر کرد، در راستای افزایش سطح روابط، شورای عالی همکاری راهبردی میان عراق و ترکیه با هدف گسترش همکاری راهبردی بلند مدت تشکیل شد و در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۰۹ در بغداد ۴۸ تفاهم‌نامه همکاری میان طرفین امضا گردید (ABC News, 12 Aug August 2008). ترکیه تلاش نمود تا روابط خود را صرفاً به یک جریان و گروه قومی - مذهبی خاص محدود نکند. در نتیجه، در تاریخ ۱ مه ۲۰۰۹، آنکارا در یک دیدار غافلگیرانه میزبان مقتدی صدر، رهبر ارتش مهدی آن زمان عراق شد، که در اولین حضور عمومی خود پس از دو سال با عبدالله گول رئیس‌جمهور وقت ترکیه و نخست‌وزیر وقت، اردوغان برای مذاکراتی که بر موضوعات سیاسی عراق متمرکز بود، ملاقات کرد (Yanatma & Kurt, 2 May 2009).

آغاز سال ۲۰۱۹ با انتصاب برهم صالح به‌عنوان رئیس‌جمهور عراق و انتصاب عادل عبدالمهدی به‌عنوان نخست‌وزیر این کشور، فرصت مناسبی برای بازشدن یک صفحه جدید در روابط میان ترکیه و عراق به‌وجود آورد. پیروزی نیروهای دولتی عراق بر داعش، اختصاص ۵ میلیارد دلار وام برای بازسازی عراق از سوی ترکیه، بازگشایی مرز اوواکوی جهت افزایش تجارت بین دو کشور، آغاز صادرات نفت عراق از خاک ترکیه توسط خط لوله کرکوک، رخدادهای مهمی بود که به توسعه روابط دو طرف منجر شد. ترکیه در چارچوب سیاست نوعثمانی‌گری بیشترین تمرکز را بر مناطق بازمانده از ولایت موصل قدیم که شامل خود شهر موصل (اربیل هم جزئی از آن بود)، کرکوک و سلیمانیه می‌شد، دارد. مادامی که روابط به موضوع کردها و نوع پیوند میان آن‌ها بازمی‌گردد، می‌توان به یک صورت‌بندی از آن رسید. بدین صورت که روابط اقلیم و ترکیه چهار دوره تاریخی از ۱۹۹۲ تا به امروز را پشت‌سر نهاده است:

دوره نخست، یا دوران سرد روابط: این دوران با ترس ترکیه از خیزش کردها در عراق و تأثیرپذیری کردهای ترکیه از مدل رفتاری آنها همراه بود. ترکیه، کردهای عراق را به عنوان تهدید می‌نگریست، البته روابط تجاری محدود میان دو طرف برقرار بود. این دوران از ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۵ را شامل می‌شود (Charountak, January 2012: 197-199).

دوره دوم، یا دوره پذیرش خیلی دور - خیلی نزدیک: به نوعی در این دوران با توجه به اهمیت یافتن مباحث تجاری و اقتصادی در مناسبات ترکیه، این کشور اقلیم را به عنوان یک شریک تجاری می‌نگریست و تلاش داشت تا از بازار به شدت متکی به خارج و پرتقاضای اقلیم بهره‌برداری نماید. در این دوران، با اولویت موضوعات اقتصادی، به تدریج حوزه سرریزی برای روابط سیاسی - امنیتی و فرهنگی نیز فراهم شد. این دوران از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ را شامل می‌شود (Sosnowski, 2016: 98- 103).

دوره سوم، یا دوره روابط استراتژیک و اتحاد متقابل: در این دوران است که ترکیه صورت‌بندی ذهنی خود از اقلیم را به شکل بنیادین تغییر می‌دهد، روابط از حوزه اقتصادی به مناسبات دیپلماتیک، سیاسی، فرهنگی و امنیتی ارتقاء می‌یابد که از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ را شامل می‌شود (Yilmaz-Bozkus, 2017: 35). در طی دو دوره اخیر، تا پیش از ظهور داعش و فراندوم استقلال کردستان عراق، بیش از ۳۰۰۰ شرکت ترکی در اقلیم فعالیت می‌کردند (Daily Sabah, 10 October 2018). این روابط به شکل روزافزون افزایش می‌یافت و اقلیم جذب‌کننده‌ی بخش بزرگی از صادرات ترکیه بود.

دوره چهارم؛ که از اکتبر ۲۰۱۷ و پس از فراندوم استقلال کردستان آغاز گردید، روابط گرم دو طرف دچار مشکل اساسی شد و کردها به یک تهدید دوباره برای ترکیه بدل شدند. در نتیجه ترکیه به همراهی ایران و دولت عراق، به مقابله با کردها در این کشور و نیز کرکوک پرداخت (Kayhan Pusane, September 9, 2019). به تدریج و با گذر زمان، روابط دو طرف در حال بهبود نسبی است، اما یک بدبینی عمیق میان دو طرف شکل گرفته لذا، درک روابط اقلیم و ترکیه در حوزه رئال پالتیک^۱ قابل فهم است.

۵. دیپلماسی فرهنگی ترکیه با رویکرد نوعثمانی‌گرایی در عراق

اهمیت به کاربری فرهنگ در رابطه با دیپلماسی و سیاست خارجی به عنوان یک سازمان مشترک اجتماعی از جهت سازگاری کلی با نیازهای غریزی، فطری، سیاسی و اقتصادی سازه‌های انسانی در تعامل با محیط جغرافیایی است. از این نگاه، دیپلماسی فرهنگی یکی از عوامل انگاره‌ساز است. دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه

زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۵).

در چارچوب نوعثمانی‌گری، ترکیه سه بعد اصلی و نوین به سیاست خارجی خود بخشیده است؛ نخست: آشتی ترکیه با گذشته اسلامی و عثمانی خود که این نیز با هدف کاهش شدت لائیتسیته ترکیه در وضعیت جاری و متحول جامعه ترکیه و فضای بیرونی آن، خصوصاً جهان اسلام صورت گرفته است. دوم: خودباوری و تقویت این حس که ترکیه می‌تواند نقش مهمی در حوزه بین‌المللی با استفاده از توانایی‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک داشته باشد. سوم: گشودن آغوشی در فضای بیرونی که هم بتوان غرب را در آن گنجانده و هم جهان اسلام را (وریاقانع، ۲۰۱۸: ۱۸۸). در اصل، نوعثمانی‌گری یک ایدئولوژی سیاسی است که در معنای وسیع‌تر، حامی همکاری بیشتر درون مناطق بازمانده و منفک امپراتوری عثمانی سابق است.

نگاه از بالا به پایین ترکیه نسبت به کشورهای بازمانده و جدا شده از امپراتوری عثمانی مانند عراق باعث شده است تا با اتخاذ سیاست «نوعثمانی‌گری» به دنبال روابط اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای با این کشورها باشد و این روابط را در چارچوب فرهنگی آن، برای بازتجدید حیات عثمانی گسترش دهد. به منظور پیش‌برد این سیاست، ترکیه دیپلماسی سازنده وابسته به قدرت نرم را از ابتدای دهه‌ی ۲۰۰۰ عرضه و با ایجاد تصویری مثبت، جایگاه ترکیه را در منطقه تقویت نمود (Ari, 2019: 5). با اهمیت‌دادن به گفتمان فرهنگی و رویکردهای سازنده، تکیه بر ابزارهای نرم نفوذ غیر نظامی مانند تبادلات دانشگاهی، تبادل دانشجویان، سریال‌های تلویزیونی و روابط رسانه‌ای برای ایجاد یک تصویر مثبت مورد تأکید قرار گرفت. در چارچوب دیپلماسی فرهنگی ترکیه، ارگان‌های دولتی و خصوصی بسیاری با طیف گسترده‌ای از ابزارها شامل سمینارها، نشریات، کانال‌های ماهواره‌ای، فیلم‌ها، سریال‌های بلند و دیگر تولیدات تلویزیونی، آموزش زبان و سیاست‌های مربوط به این دیپلماسی را با رویکرد نوعثمانی‌گری و ناسیونالیسم ترکی پیش می‌برند. از جمله:

۱. KABIL ونس امره - عنصر زبان (مرکز فرهنگی): آشنایی اولیه با ترکیه، هموار سازی مسیر فرهنگی، مسؤول ایجاد دیالوگ زبانی، ایده سازی ترک شناسی؛
۲. TIKA عنصر اجرائی (آژانس همکاری و هماهنگی): نوسازی فرهنگی، بازسازی و مرمت اماکن و مدارس، اشتغال، کمک خیریه، راه سازی و توسعه فنی (عملگرایی فرهنگی)؛

۳. TRT عنصر تبلیغی (آژانس آناتولی): ارتباط تمام وقت با جامعه هدف به منظور انعکاس خبری، دیپلماسی رسانه ای، افکار سازی، آینده سازی، جریان سازی، جنگ اطلاعاتی آشکار، سریال سازی و ترمیم افکار عمومی، فعالیت در حوزه زنان و کودکان؛

۴. KDK عنصر جذب (موسسه حقوق بشر): فعالیت در حوزه دانشجویان، نزدیکی به جامعه دیازپورا و طرفداران در خارج؛

۵. سازمان امور دیانت - عنصر دولتی: فعالیت‌های دینی و تربیت علمای حنفی بر مبنای دستور کار دولتی، نزدیکی به نهادهای دینی کشورهای مسلمان (فعالیت رسمی).

برخلاف سایر کشورهای منطقه خاورمیانه، از نظر اکثر احزاب اپوزیسیون ترکیه، عراق در سیاست خارجی این کشور جایگاه ویژه‌ای دارد (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۸۴). بر مبنای این دیدگاه است که ترکیه می‌کوشد از ابزارهای نفوذ خود در عراق بیشتر بهره ببرد. ادعای ارضی ترکیه به موصل، وجود اقلیت ترکمن در شمال عراق، به همراه نیاز جغرافیایی منطقه به راه‌های مواصلاتی ترکیه، خوانش اولیه از این ابزارها می‌باشد. آنچه بر می‌آید، این است که ترکیه با طراحی یک رویکرد جدید در حوزه سیاست خارجی توانسته روندهایی از نفوذ نرم فرهنگی را در کشور عراق ایجاد کند که از دل ابزارهای چندوجهی در حال پیش‌برد است.

۵-۱. دیپلماسی فرهنگی از مسیر رسانه؛ نفوذ فیلم‌ها و سریال‌های ترکیه‌ای در عراق: تأثیر فرهنگی ترکیه در جهان عرب و خصوصاً عراق، نتیجه مستقیم دو نوع اقدامات و ابتکار عمل رسانه‌ای حساب شده است: از یک طرف، نفوذ فرهنگی توسط شرکت‌های خصوصی ترکیه‌ای با سریال‌های تلویزیونی؛ و از سوی دیگر، راه‌اندازی کانال‌های تلویزیونی برای مخاطبان عرب: تی‌آرتی عربی، خبرگزاری آناتولی عربی، مجموعه شبکه‌های جم با بخش‌های فارسی، عربی و کردی. این مدل از نفوذ نرم به واسطه قدرت فراگیری، دسترسی آسان و نیز جمع‌بودن آن از اهمیت بسیاری برخوردار است و مهم‌ترین ستون دیپلماسی فرهنگی ترکیه با رویکرد نوعثمانی‌گرایی است. «دره گرگ‌ها: عراق» یک فیلم اکشن ترکی در سال ۲۰۰۶ به کارگردانی «سردار آکار» داستان مربوط به یک تیم کماندویی ترکیه است که برای ردیابی فرمانده نظامی آمریکا که مسئول رویداد هود است، به عراق می‌رود. این فیلم در زمان اشغال عراق اکران شده است و وقایع زندگی واقعی را مانند اشغال عراق، اعدام دانیل پیرل و رسوایی شکنجه ابوغریب را پوشش می‌دهد. فیلم در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۰۶ با اکران عمومی در سراسر کشور، به پر فروش‌ترین فیلم سال ۲۰۰۶ بدل شد و یکی از گران‌ترین فیلم‌های ترکیه‌ای است که تاکنون

ساخته شده است. این فیلم اگرچه در میان اعراب سنی و ترکمن‌ها مورد استقبال قرار گرفت، اما به علت تصویر سیاه و سفید، به ضدکردی، ضد آمریکایی و ضدیهودی متهم است، تا حدی که به تنش دیپلماتیک میان آمریکا و ترکیه هم انجامید (Tugend, May 3, 2010 and Özdemir, 2010-03-05). لذا، می‌توان گفت ترکیه برای نفوذ در میان جامعه عراق، به ساخت فیلم‌هایی که به تنش دیپلماتیک با غرب هم بیانجامد، اما در راستای اهداف نوعثمانی باشد، دست می‌زند. طبق برخی آمارها، ۷۴ درصد از مردم شانزده کشور خاورمیانه که عراق نیز یکی از آنهاست، حداقل یک سریال ترک را به‌طور کامل دنبال کرده‌اند و بسیاری از آنها نام چندین بازیگر ترک را می‌شناسند (یورونیوز، ۲۹ می ۲۰۱۲). به‌گفته مدیرعامل آژانس جهانی ایزت پینتو، ترکیه پس از هالیوود دومین صادرکننده سریال‌های تلویزیونی است. به‌دلیل این علاقه فزاینده به فیلم‌های ترکیه، میلیون‌ها نفر از عرب‌ها، استانبول و دیگر مناطق ترکیه را برای تعطیلات و خرید اجناس خود انتخاب کرده‌اند (The Guardian, 2010). نفوذ فیلم‌ها و سریال‌های ترکیه در میان بخش کرد عراقی نیز بالاست. دو کانال گُردماکس و نت تیوی از مهم‌ترین شبکه‌های کردی در اقلیم هستند که فیلم‌های ترکی را با دوبله و کیفیت بالا به نمایش می‌گذارند.

۵-۲. دیپلماسی فرهنگی از مسیر آموزش: تحصیل و آموزش زبان ترکی در عراق: یکی از مؤلفه‌های اصلی دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق ترویج و گسترش زبان ترکی است. در این زمینه می‌توان به فعالیت‌های مختلف سفارت این کشور در بغداد، آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (تیکا)، موسسه یونس امره و ... در دو بخش ساخت مدارس و دانشگاه و نیز آموزش اشاره کرد (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۲۵ اسفند ۱۳۹۸: fr.paris.icro.ir/15678). در این خصوص، سفیر ترکیه در بغداد، فاتح یلدز در حساب توئیتر خود در ۵ آوریل ۲۰۱۸ نوشته بود: «ترکی یک زبان محبوب در بین جوانان عراقی است. اگر توجه جوانان به گروه زبان و ادبیات ترکی دانشگاه بغداد مانند گذشته ادامه یابد، گروه زبان ترکی بخش زبان انگلیسی را پشت سر می‌گذارد و بزرگترین گروه زبان این دانشگاه خواهد بود (Daily Sabah, APR 06, 2018).

در همین چارچوب، در بخش کردی عراق، تأسیس مدارس ترکیه سابقه‌ای چندین ساله دارد. شاید بارزترین آن‌ها تأسیس مجموعه مدارس ایشق (عشق) از سال ۲۰۰۸ در اقلیم کردستان باشد که تحت نظارت معلمان و کادر آموزشی ترک اداره می‌شوند. دانشگاهی نیز

تحت همین عنوان در سلیمانیه ایجاد شده است (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۲۵ اسفند ۱۳۹۸: fr.paris.icro.ir/15678). بنیاد معارف ترکیه نیز با در اختیار گرفتن یک مدرسه خصوصی در شهر اربیل، مرکز اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۸، در سطوح پیش دبستان، دبستان، راهنمایی و دبیرستان با ظرفیت هزار و پانصد نفر فعالیت می‌کند. دانش‌آموزانی که در مدرسه بنیاد معارف در عراق آموزش می‌بینند، می‌توانند به راحتی در ترکیه ادامه تحصیل دهند (خبرگزاری آناتولی، ۱۷ جولای، ۲۰۱۸: www.aa.com.tr/fa/1349297). دانا عمر (۲۲ نوامبر ۲۰۱۹) خبرنگار حوزه مسائل کردها، طی گزارشی در این خصوص می‌نویسد؛ «در اقلیم کردستان عراق، حدود ۲۰ مرکز آموزش رسمی و ۲۰ گروه دانشگاهی و مدرسه در حال تدریس زبان ترکی هستند که تحت مدیریت افراد نزدیک به حزب عدالت و توسعه کار می‌کنند». در نتیجه می‌توان گفت ترکیه به شدت در حال نفوذ زبانی در میان جامعه کردستان است و از راه آموزش و تحصیل، خانواده‌های آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

۳-۵. دیپلماسی فرهنگی از مسیر مذهب: نزدیکی به اهل سنت در عراق: بخش دیگری از دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق با توجه به رویکرد نوعثمانی‌گرایانه آن، حوزه‌ی مذهبی شکل می‌دهد. در این چارچوب ترکیه تلاش نمود در راستای معرفی خود به‌عنوان مرجعیت اهل سنت و ارتباط و نزدیکی بیشتر با اهل سنت عراق، بقاع متبرکه آنان را به تبعیت از مدل ایران در ستاد بازسازی عتبات عالیات بازسازی و نوسازی نماید. در این حوزه ترکیه تلاش دارد تا بر باورهای مذهبی مردم عراق، خصوصاً سنی‌ها تفوذ کند و آنها را با اقدامات خود جذب کند. در عین حال، ترکیه از باورهای مذهبی عراقی‌ها و شکاف عمیق مذهبی در این کشور به نفع نفوذ سیاست‌های خود با ابزار دیپلماسی فرهنگی بهره می‌برد.

۶. دیپلماسی فرهنگی ترکیه با رویکرد ناسیونالیسم ترکی در عراق

یکی از اهرم‌هایی که ترکیه در عراق دارد، وجود ترکمن‌ها در شهر کرکوک، اربیل و اطراف آن است. ترکمن‌ها، عراقی‌هایی با اصالت ترکی می‌باشند که به میراث و هویت ترکیه پایبند هستند (Triana, 2017: 118). بیشتر ترکمن‌های عراق فرزندان سربازان، بازرگانان و کارمندان دولت عثمانی هستند، که در زمان حکومت امپراتوری عثمانی از آناتولی به عراق آورده شده‌اند (Jawhar, 2010: 313-316). امروزه، ترکمن‌های عراق بعد از اعراب و کردها سومین گروه قومی بزرگ عراق را تشکیل می‌دهند. این اقلیت عمدتاً در شمال و مرکز عراق زندگی می‌کنند و

روابط فرهنگی و زبانی نزدیک با ترکیه، به ویژه منطقه‌ی آناتولی دارند (BBC, June 18, 2004).

این وزنه جمعیتی و نیز پیوند تاریخی، به‌خوبی می‌تواند زمینه را برای نفوذ بدون هزینه ترکیه در عراق فراهم آورد. در سال‌های بعد از ۲۰۰۳، به تدریج ترکیه در خصوص آموزش ترکمن‌ها، مدارسی را برای توسعه پیوندهای زبانی، فرهنگی و اجتماعی با آنان در جهت نیل به اهداف سیاسی و اقتصادی ایجاد کرد. گویش ترکمنی که تا پیش از ۲۰۰۵ ممنوع بود؛ در ۲۰۰۵ طبق قانون اساسی عراق به رسمیت شناخته شد. از آن زمان، ترکمن‌های عراق تعداد زیادی مدرسه ترکی را با کمک دولت ترکیه افتتاح و به‌واسطه رسانه‌های ترکیه، به استانداردهای گویش‌های آن با زبان ترکی استانبولی پرداختند (Shanks, 2016: 57).

برنامه‌های اجرا شده ترکیه در حمایت از اقلیت ترکمن عراق را می‌توان در دو بخش تقسیم‌بندی کرد: بخش نخست؛ اقدامات انجام‌شده در چند سال گذشته در حوزه خدمات اجتماعی بوده که از سوی تیکا به ترکمنان ارایه شده و دلیل آن نیز حملات داعش به مناطق ترکمن‌نشین در استان نینوا، کرکوک، صلاح‌الدین و دیالی بوده است. بخش دیگر خدمات ارایه شده از سوی تیکا خدماتی است که در داخل اردوگاه‌های آوارگان ترکمن صورت گرفته است، که می‌توان به توزیع سبدهای غذایی، برگزاری مراسمات افطار، مساعدت‌های مالی، تجهیز و اعطای اثاث منزل، بازسازی مدارس آسیب‌دیده از حملات داعش و ... اشاره نمود. دوم؛ در حوزه برنامه‌های فرهنگی اهتمام ویژه‌ای به نخبگان ترکمن صورت گرفته و ترکیه برنامه‌هایی را در راستای توانمندسازی نخبگان ترکمنی انجام داده است. در این زمینه، می‌توان به اعزام نخبگان ترکمنی به ترکیه و دیدار با مقامات و مسؤولان ترک، اعزام نخبگان ترکمنی به دوره‌های آموزشی مانند دوره مهندسان کشاورزی، برگزاری مراسمات فرهنگی ویژه نخبگان فرهنگی ترکمن در نواحی ترکمانی بغداد و دیگر مناطق، مساعدت‌های مالی، تجهیز شبکه ترکمان ایلی و ... اشاره نمود. این اقدامات برای جلب توجه این بخش از جامعه ترکمن انجام گرفته و توسعه هم یافته است. ترکیه برای نفوذ هرچه بیشتر در عراق از مسیر دیپلماسی فرهنگی، به ترکمن‌ها، که نزدیک‌ترین اقلیت در عراق به هویت ترکی در ابعاد مختلف هستند، نیاز دارد (خبرگزاری آناتولی، ۲۰۱۸/۱۲/۲۶).

نتیجه‌گیری

دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق در چارچوب نگاه هویتی بر مبنایی از ساخت اجتماعی واقعیت در پیوند تاریخی با گروه‌های مختلف قومی - مذهبی، خصوصاً کردها، سنی‌ها و ترکمن‌ها تعریف شده و در چارچوب گفتمان نوعثمانی‌گری و ناسیونالیسم ترکی در سیاست خارجی آن چفت‌و بست یافته است. در این رویکرد جذابیت‌های جنسیتی، فرهنگ سکولار و مدرن ترکیه، خوانش نوین از جامعه و روابط زن و مرد، در کنار هم‌پیوندی با اسلام میانه‌رو و همگرایی‌های مذهبی، عامل جذب گروه‌های مختلف عراقی به فرهنگ ترکیه‌ای از راه‌هایی چون رسانه، فیلم، سریال و نیز زبان و ادبیات ترکی در کنار هویت ترکی ترکمن‌ها بوده است. دولت ترکیه با آگاهی از اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی با گروه‌های قومی - مذهبی مختلف در عراق، تلاش نموده است تا با برسازي یک فضای گفتمانی، به توسعه‌ی نفوذ خود در عراق بپردازد. چراکه در نگاه نوعثمانی‌گرایانه حزب عدالت و توسعه، عراق به‌واسطه مؤلفه‌هایی از استانهای نفت خیز شمال گرفته تا مسئله کردها و ترکمن‌ها و رقابت محور شیعه - سنی به حوزه‌ای استراتژیک در بعد امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای آنکارا بدل شده است. در نتیجه، این کشور از راه‌های مختلف، به توسعه نفوذ خود در عراق مدرن پس از ۲۰۰۳ تا به امروز پرداخته است.

در این گفتمان ترکمن‌ها، برادران دینی و هویتی ترکیه هستند و در صدر توجه ترکیه قرار دارند و عامل اصلی نفوذ ترکیه در عراق به حساب می‌آیند. کردها، اهالی تاریخی ولایت موصل هستند که عامل توسعه اقتصادی برای ترکیه از راه مصرف کالاهای ترکیه‌ای و در عین حال، راهی برای مقابله با اکثریت‌گرایی شیعی و نیز قدرت‌گیری پ‌ک‌ک در عراق به حساب می‌آیند. سنی‌های عراقی نیز بخشی از شهروندان امپراتوری کهن عثمانی و نیز برادران دینی ترکیه به حساب آمده و مورد توجه دیپلماسی فرهنگی ترکیه هستند. شیعیان نیز می‌توانند به‌عنوان یک جریان غالب، عاملی برای توسعه‌ی روابط با بغداد باشند، اما روابط ترکیه و شیعیان، هرگز از گرمی زیادی برخوردار نبوده است. با این حال، آن‌ها نیز موضوع دیپلماسی فرهنگی ترکیه هستند. در مجموع، از نگاه اردوغان و سایر رهبران سیاسی نزدیک به او در حزب عدالت و توسعه، عراق در مقام بخشی از امپراتوری عثمانی در عصر جدید باید در مدار اصلی نفوذ سیاست خارجی این کشور قرار داشته باشد. در همین راستا، در قالب گفتمان نوعثمانی‌گری دولت ترکیه تلاش دارد تا با نفوذ نرم در لایه‌های مختلف سیاست و جامعه عراق راهبردهای

بلندمدت خود را اجرایی کند. هر چند اردوغان به وضوح نسبت به این مساله آگاه است که بر اساس قواعد مدرن حاکم شده در نظام بین الملل امکان اشغال و انضمام بخش‌هایی از کشور عراق به ترکیه وجود ندارد اما کنترل بازار اقتصادی و بهره‌گیری حداکثری از منابع انرژی کشور عراق، هدفی است که از طریق دیپلماسی فرهنگی قابل حصول است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- پشنگ، اردشیر و زمردی، زهرا (۱۳۹۳)، «بررسی تحولات سیاسی عراق در پرتو سیاست خارجی ایران، ترکیه و عربستان»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وهشتم، شماره ۳، صص ۴۴۷-۵۰۰.
- حیدری، محمدعلی و رهنورد، حمید (۱۳۹۰)، «نوعثمان‌گرایی و سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه (با تأکید بر تحولات بهار عربی)»، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره ۲، صص ۷۹-۱۰۶.
- زرقانی، سیدهادی، احمدی، ابراهیم، حکیمی خرم، علی (۱۳۹۹)، «اهمیت نقش و جایگاه دیپلماسی فرهنگی در بسط روابط ایران و ازبکستان»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره ۲، صص ۳۱-۵۶.
- ستوده، علی اصغر و نیاکویی، سیدامیر (۱۳۹۷)، «پویش‌های امنیتی جدید و گذار ترکیه از مجموعه امنیتی بالکان - ترکیه به مجموعه امنیتی خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۶.
- سلیمانی، غلامعلی، رضاپور، دانیال و سامان فاضلی (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی کمالیست‌ها و پساکمالیست‌ها در جمهوری ترکیه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۲، صص ۲۴۱-۲۱۵.
- عبداللهی، عارف، حاتمی، محمدرضا، رهبر، عباسعلی (۱۳۹۸)، «چشم انداز گفتمان احزاب اسلام‌گرا در مناسبات قدرت و ساختار حکومت (مطالعه موردی: ترکیه)»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۴، صص ۳۰۵-۲۸۳.
- مارش، دیوید، استوکر، جری (۱۳۸۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یاووز، م.هاکان (۱۳۹۴)، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی.

یورگنسن، ماریان، فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
کردی.

وریا قانع، مهربان (۲۰۱۸)، له چه ئاستیکدا ده ژین؟، سلیمانی، چاپخانه‌ی نه‌ندیشه. چاپی دوهه‌م.

ب) سایت‌ها و خبرگزاری‌ها

خبرگزاری آناتولی (۲۰۱۸/۱۲/۲۶)، کمک‌های آموزشی بنیاد تیکای ترکیه به ترکمن‌های عراق، قابل دسترسی در:
<https://www.aa.com.tr/fa/1349297>

خبرگزاری آناتولی (۱۷ جولای ۲۰۱۸)، آغاز فعالیت‌های آموزشی بنیاد معارف ترکیه در عراق، قابل دسترسی در:
<https://www.aa.com.tr/fa/1206660>

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۲۵ اسفند ۱۳۹۸)، نگاهی به دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق، قابل دسترسی در:
<http://fr.paris.icro.ir/15678>

یورونیوز (۱۲ می ۲۰۱۲)، بازتاب سریال‌ها و فیلم‌های ترک در خاورمیانه، قابل دسترسی در:
<https://per.euronews.com/2012/06/29/turkish-tv-a-device-for-social-change-in-the-arab-world>

نوری اصل، احد (۱۹ خرداد ۱۳۹۸)، نقش‌آفرینی اقتصادی ترکیه در عراق، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی در:
<https://www.irna.ir/news/83344890>

ج) منابع انگلیسی

Aras, Bulent (2009), "Davutoglu Era in Turkish Foreign Policy, Insight Turkey", Available at: www.SAM.gov.tr.

ABC News (12 August 2008), "Jordan's Abdullah first Arab leader to visit Iraq", Available At: <https://www.abc.net.au/news/2008-08-12/jordans-abdullah-first-arab-leader-to-visit>.

BBC (June 18, 2004), Who's who in Iraq: Turkmen. Available At: http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/middle_east/3770923.stm

Charountak, Marianna (January 2012), "Turkish Foreign Policy and the Kurdistan Regional Government", *PERCEPTIONS*, Vol. XVII, No. 4.

Daily Sabah (10 October 2018), "Turkey to Undertake Lion's Share of Infrastructure Projects in Northern Iraq", Available At: <https://www.dailysabah.com/business/2018/10/11/turkey-to-undertake-lions-share>.

- Daily Sabah (22 September 2017), "KRG Referandu", Available At: <https://www.dailysabah.com/politics/2017/09/22/krge-referendum-illegitimate>.
- Daily Sabah (6 April 2018), "Iraqi youth interest in Turkish language increases", Available At: <https://www.dailysabah.com/politics/2018/04/06/iraqi-youth-interest-in-turkish-language-increases>.
- Hudson, Valerie M. (2007), **Foreign Policy Analysis Classic and Contemporary Theory**, Lanham, MD: Rowman & Littlefield Publishers.
- Hult, F.M. (2015), **Making Policy Connections Across Scales using Nexus Analysis. Research Methods in Language Policy and Planning: A Practical Guide** (First Ed.). Chichester, West Sussex: Wiley.
- Jawhar, Raber Tal'at (2010), **The Iraqi Turkmen Front, in Catusse, Myriam; Karam, Karam (eds.), The Lebanese Center for Policy Studies.**
- Johnson, David W; Johnson, Roger T. (2000), "Civil political discourse in a democracy: The contribution of psychology", **Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology**, Vol. 6, No. 4.
- Kayhan Pusane, Özlem (September 9, 2019), "Two Years after the Independence Referendum, Turkish Policy", Available At: <http://turkishpolicy.com/blog/38/two-years-after-the-independence-referendum-are-turkey-krge-relations-normalizing>.
- Olson, Robert (2005), "Views from Turkey: Reasons for the United States War Against Iraq", **Journal of Third World Studies**, Vol. 22.
- Park, Bill (2003), "Strategic location, Political Dislocation: Turkey, the United States, and Northern Iraq", **Middle East Review of International Affairs**, At: <http://meria.idc.ac.il/journal/2003/issue2/jv7n2a2.html>.
- Schmidt, Oliver (2003), "Small Atlantic World: U.S. Philanthropy and the Expanding International Exchange of Scholars after 1945", In Jessica C.E. Gienow-Hecht and F. Schumacher eds., **Culture and International History**. New York: Berghahn Books.
- Shanks, Kelsey (2016), **Education and Ethno-Politics: Defending Identity in Iraq**, Routledge.
- Sosnowski, Piotr (2016), **Relations with Turkey as determinant of Iraqi Kurdistan Economic Security**, War Studies University, Warsaw, Poland.
- Torring, J. (1999), **New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe, Zizek**, Oxford: Blackwell.

- Triana, María (2017), **Managing Diversity in Organizations: A Global Perspective**, Taylor & Francis, ISBN 978-1-317-42368-3.
- Tugend, Tom (May 3, 2010), "Anti-Jewish' Turkish film pulled from US theaters, Jerusalem Post", Available At: <http://www.jpost.com/ArtsAndCulture/Entertainment/Article.aspx?id=42620>
- Turunc, H. (2011), "Turkey and Iraq, Turkey's Global Strategy", available at: <https://core.ac.uk/download/pdf/2800254.pdf>.
- Turunc, Hasan (2012), **Turkey's global strategy: Turkey and Iraq, IDEAS Reports - Special Reports**, London School of Economics and Political Science, London, UK.
- Yanatma, Servet; Kurt, Süleyman (2 May 2009), **Iraq's Sadr meets Erdoğan**, Today's Zaman.
- Yilmaz-Bozkus, Remziye (August 2017), "Turkey-KRG Energy Relations: Internal and External Dynamics", **Journal of Global Analysis**, available at: https://www.researchgate.net/publication/322041083_Turkey.